



۲۰۲۱/۱۰/۱۰



عبدالقیوم میرزاده

حکومت فراگیر یا حاکمیت مجدد دزدان؟

در این جای شک نیست که طالبان گروه های وابسته به سازمان استخبارات نظامی پاکستان بصورت کل با دیدگاه متحجر قرون و ستایی مخالف حقوق و آزادی های بشری، مخالف ترقی، پیشرفت و رفاه انسان مجهز و باور مند بوده و با همین طرز فکر بدوی از میان مهاجرین افغان مقیم پاکستان و مردمان آزار یافته و آسیب دیده از نیرو های اشغال گر امریکا و متحدین اش از گوشه و کنار افغانستان سرباز گیری کرده و در مدارس تروریست پرور بنیاد گرایان اسلام سیاسی پاکستانی آموزش دیده و بلاخره در اثر خیانت آشکار دولت امریکا در همکاری با پاکستان و متحدینش با مردم افغانستان که در گزارشات قبلی به تفصیل روی آن بحث صورت گرفته است قدرت را در افغانستان تصاحب کردند، و حکومتی را متشکل از چند چلی، ملا و مولوی اعلام کردند.

انعکاسات متبازر تصاحب قدرت از جانب طالبان و اعلام حکومت از جانب این گروه تروریست پرورده اجنبی در سطح ملی و بین المللی بیشتر بر پایه نظریه حکومت فراگیر، همه شمول و یا وسیع البنیاد قرار داشت و همچنان امریکا و یکده متحدینش اصرار داشتند و دارند تا طالبان زمینه فرار مردم را از کشور سد نگردند و بگذارند تا مردم (البته که مراد شان از مردم بیشتر عناصر وابسته استخباراتی شان و قشر تحصیل یافته و متخصص میباشد) از کشور شان فرار کنند و همین دو موضوع را برای برسمیت شناختن طالبان شرط گذاشته اند.

در قبال حکومت همه شمول اگر مراد این کشور ها و سیاست گران داخلی از مشارکت افغانها در این حکومت باشد که به جزء چند چهره مشکوک و مخفی که دانسته نمیشود که پاکستانی اند یا افغان و نبود فزیک هیبت الله آخوند سایر مشمولین اعلام شده در حکومت همه افغان اند و یکده مردم آنان و خانواده هایشان را می شناسند و تقریباً اکثریت شان در حکومت قبلی این تروریستان ۱۹۹۶ - ۲۰۰۱ صاحب کرسی هایی رسمی بودند.

از قراین پیداست که در سطح ملی و بین المللی دو دیدگاه متفاوت نسبت به طالبان فعالانه عرض وجود کرده و در پی تعامل با طالبان میباشد.

دیدگاه اول از طالبان خواهان تأمین آزادی های انسانی برای مردم افغانستان در تحت مواد کنوانسیون های بین المللی و اصولنامه حقوق بشر سازمان ملل متحد و مشارکت زنان در همه امور اجتماع بوده و خواهان قطع رابطه طالبان با سازمانهای تروریستی چون داعش، القاعده و سایرین میباشد و همچنان تشکیل حکومت همه شمول (که همه مردم افغانستان در آن خود را ببینند) میباشد. این دیدگاه را بیشتر کشور های آلمان، چین، فدراتیف روسیه، جمهوریت های آسیای میانه و یکده کشور های دیگر با احتیاط مطرح میکنند.

دیدگاه دومی طرح حکومت فراگیر یا وسیع البنیاد از چهره های منفور، مفلوک و غلام منش گذشته چون کرزی، عبدالله، دوستم، خانواده دزدو قاچاقبر احمد شاه مسعود، معلم عطاء، تورن اسمعیل، محقق، قانونی، خلیلی و سایر زورگویان، دزدان، مفسدین و قاچاقبران میباشد و فشار وارد میکنند تا با داخل کردن این عناصر استخباراتی وابسته خویش زمینه های جنگ داخلی را مهیا ساخته و از طریق این عناصر باند اروپ های مطمع نظر شان را در افغانستان خاصاً در سرحدات چین و مسیر پلانهای انکشافی اقتصادی چین فعال نگهدارند. این دیدگاه از جانب امریکا، ترکیه، فرانسه مطرح و عده از کشور های دیگر با موافقت با همین دیدگاه ناظر انکشاف اوضاع میباشد. همچنان طراحان این دیدگاه وسیعاً در پی خارج ساختن تحصیل کرده گان، متخصصین و نخبه گان امور از کشور ما نیز میباشد و یکی از شروط اساسی شان در برابر طالبان برای برسمیت شناختن حکومت شان صدور پاسپورت و بدسترس گذاری میدان های هوایی افغانستان بدسترس یکی از کشور های عضو ناتو (بیشتر ترکیه در نظر گرفته شده است) غرض خروج گروه تحصیل یافته و

متخصص و نخبگان زیر نام همکاران نیرو های مسلح امریکایی قرار داده اند و احتمالاً داخل کردن داعشیان و اعضای گروه تروریستی جنبش اسلامی ترکستان شرقی نیز از اهداف پشت پرده ایشان میباشد. تلاشهای جدید دیپلماتیک امریکا تحت ریاست تام وست برای از سر گیری مذاکرات با طالبان در دوحه دقیقاً در همین راستا جریان دارد تا با ذرائع مختلف طالبان را وادار به تمکین در قبال اجازه فعالیت های استخباراتی در زمینه اداره و رهبری سازمانهای تروریستی کناره های سرحدات شمال و شمال شرق افغانستان گردانند.

ناگفته نباید گذاشت که طرح کنندگان هر دو دیدگاه در پی آند تامهره ها و عناصر وابسته شان را که در طول دو سه دهه اخیر با مصارف گزاف بوسیله عمال استخباراتی آماده کرده بودند با فشار های متعدد در حکومت طالبان جابجا سازند و هر کدام مصرانه در پی منافع خویش تلاش دارندبا یک گروه تروریستی که به کرات جنایات ضد بشری را در کشور مرتکب شده و در طی سی سال اخیر ده ها هزار انسان این وطن را قتل عام کرده اند تعامل کرده و منافع خویش را از میان قبرستان افغانستان بدست آورند. در حقیقت طرح های حکومت فراگیر، همه شمول و یا وسیع البنیاد همه یک بهانه اند. آنها تلاش دارندتا زیرنام حکومت فراگیر عناصر وابسته خود را درحکومت طالبان در راستای منافع خودشان جابجا کنند.

با اینکه مردم افغانستان این تجارب تلخ را بصورت عریان مبینند اما هنوز هم بخود نیامده اند و نمی خواهند بدانندکه همه این بلا ها را کشور های خارجی با استفاده از اختلافات داخلی، انقطابات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، زبانی و مذهبی خود مردم افغانستان بر ما نازل کرده اند و خود ما را بلای جان خود ما ساخته اند یا بهتر است بگویم ما خود بلای جان خود شده ایم و هنوز هم بنام مقاومت تبر دشمن را دسته میکنیم و زیر صد ها نام و القاب یکدیگرخویش را محکوم به فنا میدانیم.

در حقیقت امر حکومت ها در جهان انواع و اقسام مختلف و متنوع اند که معمول ترین آنها حکومت فردی یا حکومت مطلقه که کهن ترین نوع حکومت در جهان بوده و بوسیله سلطان، پادشاه، امپراطور و یا ملکه به شکل فردی و موروثی تمام امور جوامع را بصورت نامحدود اداره میکند و تابع هیچ مقرره و یا قانونی نمی باشد، حکومت های مشروطه که هم نوعی از حاکمیت سلطنتی بوده که قدرت سلطان، پادشاه و یا ملکه را قانون اساسی معین میکند و در بسیاری از نظامهای حاکمیت مشروطه پارلمان انتخابی اداره بسیاری از امور کشور را در دست میداشته باشد، حکومت های یک حزبی یا تک حزبی که تنها یک حزب کشور را اداره کرده و سایر احزاب و سازمانهای سیاسی و مدنی اجازه فعالیت را نداشته باشند، حکومت های پارلمانی که پارلمانهای انتخابی متشکل از نماینده گان احزاب سیاسی و کاندیدان مستقل قدرت را در دست داشته و در رأس کشور هم رئیس دولت و یا رئیس جمهور و هم صدراعظم قرار داشته و بر حکم قانون صلاحیت ها و مسئولیت های هر دو معین میگردد در بسا موارد حاکمیت های پارلمانی صدراعظم از اعضای منتخب پارلمان میباشد و حکومت های ریاستی که رئیس جمهور و معاونین اش انتخابی میباشد و پارلمان انتخابی صلاحیت تأیید حکومت را دارا میباشدو نیمه ریاستی که تقریباً مانند حکومت پارلمان بیوده تنها با یک تفاوت که صدراعظم و رئیس جمهور هر دو کشور را اداره میکنندکه صدراعظم عضو پارلمان بوده و از طرف رئیس جمهور مؤظف به تشکیل حکومت گردیده اما تنها در برابر پارلمان پاسخگومیباشد و رئیس جمهور نیزبا رای مردم انتخاب میگردد.

با این توضیح مختصر از انواع حکومت ها سوگمندانه نه سیاسیون در داخل افغانستان، نه کشور های خارجی، نه سازمان ملل متحد و نه سایر سازمانها و مؤسسات بین المللی در پی نوع عادلانه حکومت در افغانستان نبوده بلکه هر کدام تلاش دارند تا عناصر وابسته شان را تحت نام حکومت فراگیر، وسیع البنیاد و یا حکومت همه شمول در حاکمیت طالبان تعبیه کنند و از طریق این امتیاز حاکمیت طالبان را برسمیت بشناسند.

بلاثر این وضعیت فشار جامعه بین المللی و حالت ایجاد شده حاکمیت طالبان در کشور فاجعه بزرگ انسانی در افغانستان بوقوع پیوسته است. بر اساس ارقام رسمی ادارات ملل متحد هم اکنون بیشتر از ۴۷ فیصد مردم ما در زیر خط فقر زنده گی میکنند، از یکطرف قطعی بیداد میکند و از طرف دیگر نرخ ها بصورت سرسام آور در حال صعود اند، براساس یک سروی اجمالی در بازار های شهر های بزرگ کشور نرخ ها برای مواد اولیه ضروری تا دو برابر بالا رفته اند و مردم برای خرید امتعه حیاتی خویش هیچ نوع در آمدی ندارند. ادارات دولتی راکد است، بازار ها در سراسر کشور به حالت نیمه باز اند که با اندکترین حادثه همه مسدود میگرددند، منحصراً مجموع تمام زنده گی در کشور برکود و جمود رسیده است. گرچه سکتور زراعت که با ادارات دولتی متعامل نیست فعال میباشد که بزرگترین امید و روزنه برای امرار حیات در کشور خواهد بود اما به دلایل مشکلات بانکی صدور تولیدات مازاد زراعتی به امر ناممکن تبدیل گشته است.

در چنین وضعیت فاجعه بار و بحران عمیق مهمترین اصل در برابر هر انسان با درک این وطن این وجیبه انسانی و وجدانی قرار دارد که در عوض مقاومت، جدل، فرار، جنگ، مخالفت، افتیدن به دامان خارجیان بنامهای مختلف راه های برون رفت از این فاجعه انسانی را جستجو کرده و برای حاکمیت موجود مشوره داده شود تا کشور را از این مصیبت بزرگ انسانی که دامنگیر قریب کل کشور است وارهانند.

اقتصاد دانان کشور در همچو شرایط فاجعه و بحران راه ها و راهکار های بدیل حد اقل جلوگیری از گسترش این فاجعه انسانی را به اداره حکومت مشوره بدهند.

سیاست پوهان، جامعه شناسان و متخصصین امور اداره به حاکمان موجود راه های جلوگیری از وابستگی بیشتر و انقیاد اداره را بدست خارجیان رهنمایی کنند. زیرا یگانه راه ختم جنگ در کشور ما جلوگیری از مداخلات و دست دراز خارجیان در امور کشور ما میباشد. هم در نتیجه لشکر کشی و تجاوز روس و هم در نتیجه لشکر کشی ناتو و تجاوز امریکا در کشور ما هزاران و میلیون ها شهید و معلول بجا ماند و تقریباً تمام هستی کشور ما نابود گردید یقین داشته باشید که در نتیجه تجاوز پاکستان، چین، ایران و تاجکستان هم وضعیت به همان منوال گذشته خواهد انجامید. هیچکدام آنها دایه مهربان تر از مادر برای ما نیستند. هیچ کشوری منافع ملی کشور ما را در پلان ها و اهداف شان ننگنجانیده اند. تنها راه برون رفت از جنگ و برادر کشی اتحاد مردم در ورای منافع ملی و نه گفتن به هر نوع جنگ و برادر کشی زیر هر نامی که باشد و عدم انقیاد و وابستگی سیاسی، نظامی و اقتصادی به کشور و یا کشور های خارجی میباشد.

همه دست بدست هم بدهیم کشور و مردم خویش را از این فاجعه و نابودی نجات بدهیم. راه مبارزه سیاسی دراز است و مردم ما در فضای ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به آن دسترسی پیدا میکنند نه در حالت انقیاد، فاجعه و بحران.



برای مطالب دیگر عبدالقیوم میرزاده روی عکس کلیک کنید